شماره ۷۹
دوره دوم
دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۶۰
بها ۱۵ ریال

اتحاد مردم

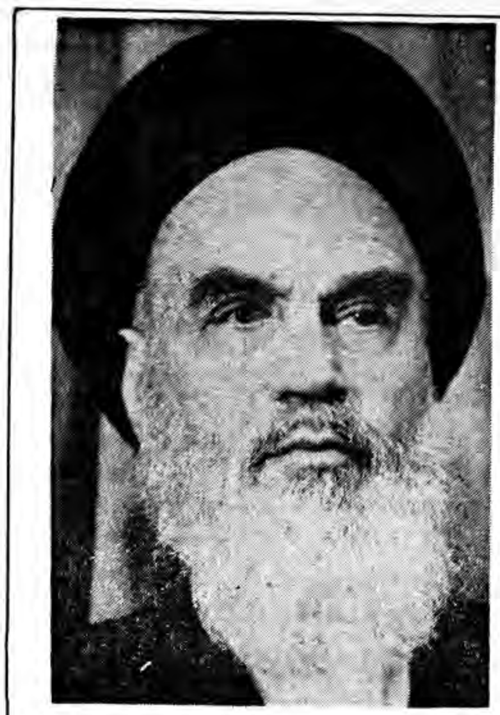
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شعر

"رؤیای یک سرباز"

جعفر کوش آبادی

صفحه ۴ و ۵



هیجدهمین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ را به امام خمینی رهبر کبیر انقلاب خلقی، مردم قهرمان ایران و همهٔ نیروهای انقلابی شاد باش می گوئیم.

صفحه ۶

ندای خرد واقع بین

آنچه امام به مناسبت پایان نخستین سال کار مجلس شورای اسلامی در جمع نمایندگان حاضر در حسینیهٔ جماران فرمودند. درخشش برق بود که همراه غرش رعد توده های تاریک ابر را از هم درید.

نغمه های ناساز چند هفتهٔ اخیر و اضطرابی که دامن زده می شد، ماجرای دستبرد به اسناد سری وزارت خارجه — چیزی که گفته می شود تنها بهاین ارتخانه منحصر نمی شده است، — بحث و جنجال بر سر بیانیهٔ الجزایر، اعلام جرم های متقابل مسئولان طراز اول حکومت بر ضد یکدیگر، کلنجار بر سر لایحهٔ بودجه، بهانه سازی از کاهش درآمد ها و فزونی هزینهها و ضرورت تأمین کسر بودجه از محل درآمد نفت، لایحهٔ حذف عبارت "فرمان همایونی" که منظور از آن جلوگیری از پاره ای دخالت های پرستقیم در امور اجرائی است، پایان محاکمه امیرانتظام و تأخیر در صدور حکم که به هرحال می تواند به محکومیت دولت موقت آقای بازرگان در ترکیب اعضاء و در شیوهٔ عمل و گرایش سیاسی — طبقاتی آن تعبیر شود، و شاید در همین رابطه، بالاگرفتن هیاهو درباره بحران و بن بست، و سرانجام پیشنهاد مراجعه به مردم، — آن هم در بحبوحهٔ جنگ و احتمالا به امید بهره گیری از این گرفتاری بزرگ که رفع پیروزمندانه آن جز با یگانگی اراده و عمل مردم و بسیج همهٔ نیروهای مادی و معنوی توده ها میسر نیست، — این همه، جو برانگیخته و ناپایداری پدید آورده بود که بیم انفجاری در آن می رفت.

در چنین اوج اضطراب همگانی، یک بار دیگر و این بار به لحن اتمام حجت، امام خمینی یگانه تدبیر درست، یگانه سخن اثربخش درباره نظم و قانون را که ضامن پیشروی به سوی هدفهای انقلاب مستضعفان است برزبان راندند، حدود هرکس و هر مقامی را به تصریح معین کردند، و بر زیاده طلبی های فردی لجام زدند.

از همهٔ نکته های اساسی که امام فرمودند

بقیه در صفحه ۸

کشف شبکهٔ توطئهٔ بمب گذاری

حجت الاسلام محمدی ری شهری حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در یک گفتگوی رادیوتلویزیونی از کشف شبکه توطئه بمب گذاری بنام "پاسداران رژیم سلطنتی" با نام اختصاری "پارس" پرده برداشت. به گفته آقای حجت الاسلام محمدی ری شهری این سازمان گسترده در خارج از کشور با فراریان ضد انقلابی و در داخل با "تعدادی از بازاریان"، "تعدادی از روحانیون" در قم تماس و ارتباط داشته اند. همچنین اطلاع داده شد که ۸۱ نفر از اعضای این شبکه دستگیر شده اند. این عده قصد داشته اند در چند مرکز حساس از جمله در محل نماز جمعه در تهران بمب گذاری کنند. بنا به گفته حجت الاسلام محمدی ری شهری بطور کلی اعضای این سازمان ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر می باشند. یکی از افراد دستگیر شده از این سازمان اعتراف کرد که از فرح و رضا پهلوی پول می گرفته و عده ای اوباش را برای جنایت و آدمکشی و بمب-

بقیه در صفحه ۶

پدیدهٔ جنگ و نظامهای اقتصادی - اجتماعی

س. ح. حقیقت پژوه

جهان دوران بسیار حساسی را می گذراند، نیروهای تجاوز و جنگ که جز به منافع آزمندانه و تنگ نظرانه خویش نمی اندیشند و تمدن بشری، این ثمرهٔ هزاران سال کار و تلاش جانسوز انسان را به بازیچه می گیرند دست به تعرض گستاخانه ای گشوده اند. بدور از گزافه گوئی، هیچگاه در سراسر تاریخ بشری امکانات نابودسازی حیات این چنین فراهم نبوده است. و هیچ زمانی هم دوستداران انسان عاشقان زندگی و شکفتن و پرومته هائی که آتش را ارمغان آدمی کردند از این همه امکان و توان برای مهار کردن اهریمن نیروهای جنگ و نیستی برخوردار نبوده اند.

در دنیای امروز، بطور عمده، دو نظام اقتصادی — اجتماعی وجود دارد:

در یکی از آنها، نیروهای بارآور کار و از جمله وسایل تولید اجتماعی در تسلط افراد و گروه های اجتماعی قرار گرفته و به انگیزه منافع خصوصی آنان — ولو به زیان کل جامعه و کل انسان — سازمان یافته است. این نظام، سرمایه داری است که در تکامل یافته ترین مرحله هستی تاریخی خویش، امپریالیسم نامیده می شود.

در نظام دیگر، نیروهای بارآور کار و از جمله وسایل تولید اجتماعی در تسلط کل جامعه قرار داده شده و به انگیزه تأمین حد اکثر نیازمندی های متنوع مادی و معنوی جامعه سازمان یافته است. این نظام سوسیالیستی است که در رویاروئی جهانی با امپریالیسم از ویژگیهائی برخوردار گردیده و سوسیالیسم واقعا موجود نامیده می شود. بدیهی است که قوهٔ محرکه (دینامیسم)، سازوکار (مکانیسم) عمل درونی این دو نظام با هم متفاوت است و سیستم روابط بین المللی برخاسته از سرشت این دو نظام نیز با هم تفاوت کلی (وکیفی) دارد.

می خواهیم در پرتو قانونمندی های درونی این دو نظام اقتصادی — اجتماعی، به جستجوی پاسخ برخی از پرسش های سوزان زمان مان بپردازیم. می خواهیم بدانیم در شرائطی که تن و جان صدها

بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر

دهستان سنجابی زیر سلطهٔ خانها لگدکوب فقر و آوارگی است

دهستان سنجابی یکی از توابع اسلام آباد غرب است که دارای ۱۶۱ روستا است. این دهستان از نظر موقعیت جغرافیائی و راههای ارتباطی در ارتباط با شهرستان کرمانشاه است. از شمال با بخش روانسر و ولدبیگی و از شرق با دهستان خالصهیان دربند و ماهیدشت و از جنوب با حومهٔ اسلام آباد، از غرب با بخش گوران که پایگاه ضد — انقلاب و سارقین مسلح است همجوار است.

مرکز این بخش کوزران است که بوسیلهٔ یک جاده آسفالتهٔ منحصر بفرد بطول ۴۰ کیلومتر به کرمانشاه متصل است. زمینهای این بخش عمدتا دشت هموار است که سه رودخانه کم آب در آن جریان دارد. کشت در این منطقه دیمی است، محصولات آن بطور عمده گندم، جو، نخود و دیگر غلات است. ضمنا باغهای میوه و قلمستانهائی با مساحت کم بطور پراکنده در منطقه وجود دارد. دامداری در این منطقه رواج دارد. محل قشلاق دامداران در مناطق گرمسیری مرزی از قبیل باغچه و قطار و آغداق است که در سال جاری بعلت جنگ تحمیلی صدام آمریکائی، امکان قشلاق از آنها سلب شده و این امر مشکلات فراوانی در زمینه تهیه علوفه و جابرای دامداران فراهم کرده است علاوه براین پیوستن دامداران مناطق جنگی به مشکلات این منطقه افزوده است.

جمعیت:

تراکم جمعیت در روستاهای منطقه طبق نمونه برداری از مجموع ۱۲ روستا به شرح زیر است:

بقیه در صفحه ۲

دشمنان سوسیالیسم در لهستان چهرهٔ واقعی خود را پنهان می کنند

در متن تمام اختلافات و مباحثاتی که در جمهوری توده ای لهستان جریان دارد یک مسأله عمده و گرهی بچشم می خورد که با سرنوشت این کشور در آینده پیوند نزدیک دارد یکی از ویژگیهای اوضاع کنونی لهستان عبارت از این است که دشمنان نظام سوسیالیستی در این کشور نیات واقعی خود را پنهان می کنند و این نیات زیر شعارها و خواست های عوام فریبانه ای عنوان می شود. از سوی دیگر این مطلب جلب توجه می کند که شگردهای تاکتیکی ضد انقلاب در لهستان هرقدر هم که ماهرانه انجام گرفته باشد نمایانگر آن است که سوسیالیسم به مثابه عادلانه ترین و انسان دوستانه ترین نظام اجتماعی بحدی در اذهان و قلوب زحمتکشان لهستان ریشه دوانده است که دشمنان واقعی این نظام هم نتوانسته اند در میان توده های مردم شعارهای ضد سوسیالیستی آشکار را مطرح سازند و مجبور شده اند به ردای "دوستان" و "دلسوزان" زحمتکشان درآیند. طی نیمهٔ دوم دههٔ هفتاد بطور غیرعلنی تمام مقدمات و موجبات بحران کنونی لهستان بوسیلهٔ دشمنان سوسیالیسم فراهم و آماده شده است. ارتجاع از اشتباهات و خطاهای بسیار جدی در سیاست داخلی کشور و نیز سهل انگاری و بی تفاوتی نسبت به پرورش ایدئولوژیکی جامعه که در دهسالهٔ اخیر در رهبری کشور وجود داشته با مهارت و موذیانه حد اکثر بهره برداری کرده است در این دوره چه در درون حزب و چه به مقیاس کشور مفهوم مبارزه ایدئولوژیکی تقریبا از دستور روز فعالیت حذف شده بود علاوه براین در این دوران روحیات پراگماتیسم علمی و فنی و عدول از اصول و سازشکاری در قبال ضعف ایدئولوژیکی و معنوی جایگزین

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

دهستان سنجابی...

کل جمعیت	حداقل خانوار در یک روستا	حداکثر خانوار در یک روستا	میانگین خانوار در یک روستا
۵۰۰خانوار	۱۳	۱۱۰	۴۲

در نتیجه سیاستهای ضد دهقانی و خانمان برانداز رژیم ننگین پهلوی وستم مالکین وعدم امنیتی که اخیرا مالکین وضد انقلاب در روستاهای مجاور گوران وروانسر مانند روستاهای دارخور، درویش بگموهیوانی و... بوجود آورده اند باعث کوچیدن عده زیادی از روستائیان شده است. وحتی برخی از روستاها مانند روستای لرها بکلی از سکنه خالی شده اند. همچنین روستاهائی وجود دارند که جمعیت آنها حدود پنج خانوار است مانند صفرآباد.

****

وضع مالکیت

الف: وضعیت خوش نشین ها ــ مالکین این منطقه دورانی بس طولانی به حمایت ارتجاع حاکم همواره سرگرم استثمار وسرکوب جنبش های دهقانی بوده اند. آنها علاوه برارتکاب جنایات بیشمار، موجب شکاف طبقاتی عمیق درمنطقه شده اند. اصلاحات ارضی شاهانه نتوانست مناسبات فئودالی را ریشه کن کند. مالکین بزرگ که در رأس آنها خانواده سنجابی قرار دارد، به علت داشتن روابط وسیع وهمه جانبه با دستگاه دولتی سابق توانستند بیشترین ومرغوبترین زمینها را در دست خود نگه دارند. وبا حفظ بقایای مناسبات فئودالی بهاستثمار زحمتکشان روستا بپردازند.

نمونه برداری زیرکه بعد از انقلاب تهیه شده گویای این واقعیت است که مالکین بزرگ توانسته بودند به قیمت بی خانمانی وورشکستگی دهقانان همچنان به بهره کشی خود ادامه دهند:

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۱۰
کل جمعیت (خانوار)	۳۹۵
خوش نشین ها (خانوار)	۱۵۱
حداقل خوش نشین در یک روستا	۱
حداکثر خوش نشین ها در یک روستا (خانوار)	۶۴
میانگین خوش نشین ها در یک روستا (خانوار)	۱۵/۱
درصد خوش نشین ها به کل جمعیت (خانوار)	۳۸/۲

قابل ذکراست که این خوش نشین ها بیشتر از طریق کارگری فصلی درشهر و برزگری در روستا، چوپانی، خرده پیشه وری و... امرار معاش مینمایند. درکنار آنها توده عظیم دهقانان کم زمین قرار دارند که با زندگی فقیرانه دست به گریبان اند.

ب: ترکیب مالکین

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۱۱
تعداد مالکین	۲۷
حداقل مالکین در یک روستا	۱
حداکثر مالکین در یک روستا	۶
میانگین مالکین در یک روستا	۲/۵
حداقل روستائی که یک مالک در آن زمین دارد	۱
حداکثر روستاهائی که یک مالک در آن زمین دارد	۶

آنچه را بین زمینه می توان افزود این است که زمین ۲۳ نفر از این مالکین ۸۰ تا ۲۰۰ هکتار وچهار نفر بقیه یعنی اصغر سنجابی ومحمد خان سنجابی وهمسرش پروین خانم وکریم صفائی بین پانصد تا هزار هکتار است.

عملکرد هیئت هفت نفره

برای بررسی عملکرد هیئت هفت نفره درمنطقه با تحقیق در پنج روستا نتایج زیر بدست آمد:

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۵
مقدار زمین مالکین به هکتار	۱۷۷۵
تعداد مالکین	۱۴
تعداد خوش نشین ها	۱۲۶
مقدار زمین واگذار شده به خوش نشین ها (به هکتار)	۱۴۱۵
مقدار زمینی که به مالکین تعلق گرفته (هکتار)	۳۶۰
تعداد مالکینی که زمین به آنها تعلق گرفته	۶
میانگین زمینی که به یک خوش نشین تعلق گرفته (هکتار)	۱۱/۲
میانگین زمینی که به یک مالک تعلق گرفته (هکتار)	۶۰
نوع واگذاری	مشاع

۱ــ بطور موثق میتوان گفت که واگذاری زمین در روستاهای منطقه در تمامی موارد بصورت مشاع وموقت است.

۲ــ در بعضی روستاها (دایار) مالکین توانسته اند با انواع حیله ها بیش از حد نصاب ۴۰ هکتار بدست آورند.

۳ــ چون ملاک هیئت برای واگذاری حداقل ۱۸ سال سن ونداشتن زمین بوده است دهقانان کم زمین وخرده پا تنها در موارد نادر آنهم درصورت توافق خوش نشین ها از گرفتن زمین بهره مند شده اند.

۴ــ در برخی جاها افرادی که دارای معاش قابل توجهی بوده اند به صرف نداشتن زمین خود را خوش نشین معرفی کرده اند واین امر سبب بروز اختلافاتی بین دهقانان در آن نقاط گردیده است.

مبارزهٔ طبقاتی واشکال آن در منطقهٔ سنجابی بعد از انقلاب

در بدو انقلاب با تشکیل دولت موقت وسیاستهای ضد دهقانی وزیر کشاورزی وقت وتبلیغات وسیع فئودال ها و مالکین بزرگ اکثریت عظیمی از روستائیان نسبت به انقلاب موضع بیطرفی اتخاذ کرده ودر مواردی بدبین شده وتحت تاثیر تبلیغات ضد انقلاب تصور میکردند که رهبری انقلاب مدافع بزرگ ــ مالکان وفئودال هاست. ولی علیرغم تلاش ضد انقلاب گروههائی از دهقانان به دفاع از انقلاب برخاسته و درجهت نابودی فئودال ــ ها و بزرگ مالکان و رفع گرفتاری ها و مشکلات بجامانده از طاغوت به اقدامات زیر دست زدند:

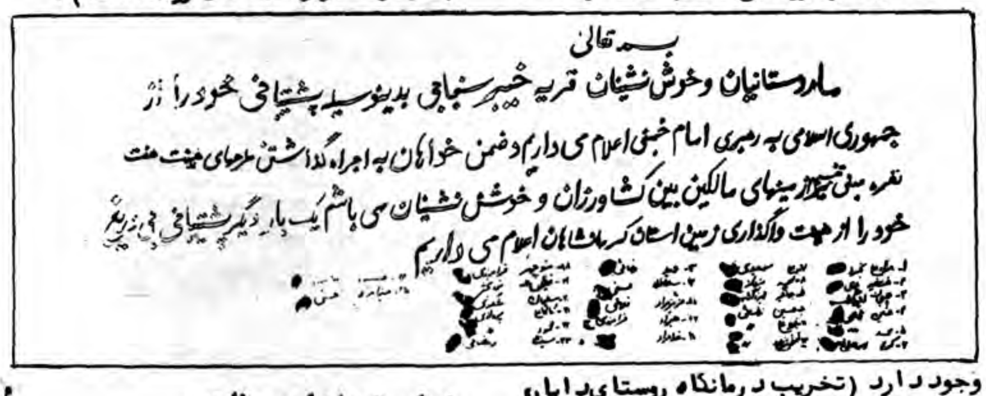
۱ــ نوشتن عریضه به رهبری انقلاب و ارگانهای انقلابی که بطور عمده خواستهای آنها عبارت بود از زمین، آب ووسایل کشاورزی و امور رفاهی.

۲ــ تلاش جهت تشکیل شوراها.

با تشکیل جهاد سازندگی واقدامات مردمی این نهاد در روستاها و سقوط دولت موقت و تصویب لایحه قانونی "نحوه واگذاری و احیاء اراضی درحکومت جمهوری اسلامی" امید دهقانان به انقلاب بیشتر شد واکثریت دهقانان این منطقه به حمایت از لایحه استاد رضا اصفهانی پرداختند، در این فاصله دهقانان نیز به نوبه خود با نوشتن طومار و مراجعات انفرادی و دسته جمعی به ارگانهای انقلابی بخصوص جهاد سازندگی و بالاخره ترتیب راه پیمائی از روستای کوزران به بابان یاور و بالعکس خواستار اجرای فوری این قانون و تقسیم اراضی شدند. علاوه براین، دهقانان همزمان با تشکیل جلساتی جهت چگونگی مصادره زمینهای بزرگ مالکان در مواردی خود اقدام به مصادره زمینها کردند (بابان یاور). در تمام این مدت بزرگ مالکان در ارتباط با ضد انقلاب که در این مورد میتوان روابط گسترده وقدیمی اصغرخان سنجابی وکریم صفائی ومحمد خان سنجابی را با محمود تایشهای که با عده زیادی از ایادیش به عراق رفته بود ومدتها در حمله به پاسگاهها وروستا ــ های مرزی شرکت داشت وسرانجام چندی پیش در عراق کشته شد ونیز ارتباط با عوامل پالیزبان را نام برد، دست به ایجاد آشوب وارعاب روستائیان درمنطقه زده وبا اقداماتی از قبیل دزدی، غارت گوسفندان، حمله مسلحانه به مراکز رفاهی معدودی که درمنطقه وجود دارد (تخریب درمانگاه روستای دایاره وتخریب موتوربرق کوزران وحمله مسلحانه به روستاهای خوره زردی، دارخور، مربوانی، لرها وغیره...) سعی در ایجاد عدم امنیت وبیرون راندن روستائیان از روستاها دارند.

ــ با تصویب اصلاحیه لایحه واگذاری زمین وتشکیل هیئتهای هفت نفره، دهقانان بخصوص تهیدستان به حمایت وهمکاری وسیع با این نهاد انقلابی میپردازند، مالکین این منطقه که تقسیم زمینهایشان را، ناگزیر میبینند بمنظور حفظ قسمت عمده زمینهایشان بسبک اصلاحات ارضی شاهانه، عوامل خود را درمنطقه بسیج کرده اند که دهقانان را به گرفتن ثلث زمینها راضی کنند. برای نمونه میتوان به کوششهای آنها در روستای بابان ــ یاور اشاره نمود، ولی این حربه آنها نیز بی تاثیر مانده است. از این رو آنها شروع به مخالفت با کار هیئت هفت نفر موزدن مارک کمونیست به آنها کرده و در بین روستائیان اختلاف می اندازند ودر این راه به روحانی نمایان وبا اقداماتی از قبیل ارسال تلگراف و نامه مراجعه دسته جمعی به قم وتهران، تهیه طومار، نشستهای مکرر در صاحبه وغیر متوسل میشوند. پس از افشاء این اقدامات مذبوحانه ودستگیری مالکین، دهقانان منطقه سنجابی با حمایت ارگانهای انقلابی براه پیمائی و تظاهرات وسیعی (حدود ۴۰۰۰ نفر) در کرمانشاه علیه توطئه های گوناگون مالکین دست زده وضمن افشای روابط آنها با پالیزبان وهمدستانش، در قطعنامه ای که در مقابل زندان دیزل آباد (محل حبس مالکین) خوانده شد، خواهان محاکمه واعدام آنها شدند، سرانجام محاکمه ۴ تن از بزرگ مالکان در مسجد معتضدی و استادیوم تختی در ملاء عام انجام گرفت و تماماً از تلویزیون وراديو پخش شد، اما با وجود اینکه دادستان تقاضای اشد مجازات برای هرچهار تن کرده بود، متاسفانه به علت اعمال نفوذ حامیان خود از زندان آزاد میشوند وزمینهای مصادره شده به آنها برگردانده میشود. باتجاوز صدام آمریکائی وتشکیل بسیج عشایری، آنها به عنوان روسای بسیج عشایر منطقه همکار رشد مانده وبا امکاناتی که دراختیار دارند ایادی خود را در منطقه مسلح میسازند. تحریکات واقدامات ضد انقلابی مالکین همچنان ادامه دارد، یکی از فئودالهای سرپرست بسیج عشایری که اهل عثمانوند است، به افراد بسیج گفته است که بیخودی این فشنگها را از بین نبرید آنها را برای نابودی این رژیم لازم داریم. این اقدامات باعث میشود که زحمتکشان روستا که خود را برای جنگ با صدام به بسیج معرفی نموده بودند دلسرد شده، بعنوان اعتراض بوجود فئودالها در آنجا انصراف خود را اعلام نمایند وبقیه نیز که قصد اعلام آمادگی برای رفتن به جبهه را داشته اند منصرف شوند (قلعه گلینه و بابان یاور...).

به دنبال اقدامات ضد هیئت هفت نفره و نفوذ مالکین در هیئت هفت نفره و توقف بند "ج" دهقانان با تهیه طومارهائی در روستاهای متعدد پشتیبانی خود را از اقدامات انقلابی هیئت هفت نفره اعلام داشته خواهان اجرای بند "ج" و بیرون انداختن اربابان از بسیج عشایری شده اند (طومارها مربوط به ۵۰ روستا است).


بسمه تعالی
ما روستائیان وخوش نشینان قریه خیبر سنجابی بدینوسیله پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی اعلام می داریم وضمن خواهان به اجراء گذاشتن طرحهای هیئت هفت نفره مبنی تقسیم زمینهای مالکین بین کشاورزان و خوش نشینان می باشیم یکبار دیگر پشتیبانی و...
خود را از هیئت واگذاری زمین استان کرمانشاهان اعلام می داریم

خواستها و امور رفاهی

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۱۸
درمانگاه	۲
مدرسه	۹
مراکز شرکت تعاونی	۲
حمام	۱
مسجد	—
برق	۱
آب لوله کشی	۲
مدرسه راهنمائی	۱
دبیرستان	—

توضیحات:

ــ در تمام منطقه فقط ۳ درمانگاه وجود دارد. که دوباب آن در اثر حمله و فعالیت ضد انقلاب تعطیل ومخروبه گشته ودیگری که در مرکز بخش قرار دارد نیمه تمام است.

ــ تنها حمام منطقه که در مرکز بخش است به مخروبه بدل شده.

ــ مراکز شرکتهای تعاونی بعلت عدم پاکسازی و رسیدگی کافی منشاء نارضایتی ــ های فراوانی برای روستائیان است. برای رفع احتیاجات روستائیان از جهت قند، شکر نفت، روغن، گازوئیل، روغن موتور و نیز برای کوتاه کردن دست سلف خرها باید ضمن پاکسازی هرچه سریعتر تعاونی ها، امکانات بیشتری در اختیار آنها قرار داد.

ــ در هر دو مورد لوله کشی، بعلت عدم توجه بلااستفاده مانده اند.

ــ مدرسه راهنمائی تنها مدرسه منطقه

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

پدیدهٔ جنگ و ...

میلیون انسان این کرهٔ کار و رنج از بیماری و فقر و سیاهی جهل رنجور است، انسان‌ها چرا می جنگند ، آیا حدوث جنگها اجتناب ناپذیر است؟ آیا جنگ با چگونگی سازمان‌یابی اجتماعی نیروهای بارآور کار و قانونمند یهای برخاسته از آن مربوط است؟ آیا جلوگیری از جنگ ، این آفت جان ترقی و تکامل امکان پذیر است؟ وبالاخره کدام نیروهای موجود ، انگیزه و توان جلوگیری از جنگها را دارند ؟

نظام تولید سرمایه‌داری وضرورت درونی قهر

تولید سرمایه‌داری به انگیزه سود انجام می گیرد ورفع نیاز جامعه به کالا ها و خدمات، فرع تحصیل سود و وسیلهٔ آن است. این نظام به مثابه متکاملترین نظام مبتنی بربهره کشی ، نظامی است که اقلیتی را که مالك وسایل تولید و مسلط برنیروهای بارآورکارند براکثریتی که تولید ثمرهٔ کار ذهن و بازوی آنان است چیره می کند. لازمهٔ حفظ این چیرگی ، انواع فریب ها و دغلکاریها و نیز اعمال قهر آشکار است. بویژه امروز که براثر انقلاب علمی و فنی بازده نیروهای کار به حد بالائی رسیده و توان واقعی آن‌را دارد که فقر و محرومیت و رنج و ناایمنی را از بساط زمین برانداخته و این سیاره سبز و مرطوب را به فردوس برخورداریها و شکوفائی استعدادهای برین آدمی بدل‌سازد. این‌چیرگی اقلیت آزمند و کین توز و اهرمن خوی ، دیگر با این سطح متعالی از توان علمی و فنی و بارآوری تناسب ندارد . براثر همین رشد است که سازوکارهای تعادل ساز نظام اقتصادی سرمایه داری یکی پس ازدیگری فلج می شوند و سیبرنتیك درونی سیستم از کارمی افتد .

از یك سو منافع صاحبان وسایل تولید اجتماعی اقتضا می کند که نیروهای پرتوان کار را در قید سرمایه نگهدارند و از سوی دیگر با اعتلای تکنیك تولید این امکان واقعی پدید آمده است که همه چهارمیلیارد ونیم سرنشین کرهٔ زمین ، از خوراك و پوشاك و مسکن وفرهنگ وبهداشت برخوردار گردیده و عروج درمدارج کمال مادی ومعنوی برای همگان فراهم آورده شود . بدینسان به علت تسلط سرمایه داری امکان واقعی غنا درجوار واقعیت فقر ، امکان واقعی سلامت در جوار واقعیت بیماری ، امکان واقعی دانائی و شکوفائی درجوار واقعیت بیسوادی و تباهی ، امکان واقعی صلح و امنیت مردمی درجوار واقعیت ناامنی و وحشت‌همزیستی می کنند . لیکن نگهداری فقر در جوار غنا ، جز به زور و نیرنگ ممکن‌نیست، نگهداری‌نابرابری وتبعیض در دنیائی که امکان زدودن آن‌بلحاظ عینی ممکن شده‌است جز به قهر و خدعه امکان ندارد . نگهداری‌کوخ درجوار کاخ و درکنار امکان واقعی زدودن فقر، جز به زور و نیرنگ ممکن‌نیست.

واز این روی‌اگر در سراسر پهنهٔ گیتی ، تنها و تنها یك دولت سرمایه داری ، آن‌هم از متمدن‌ترین وفرهیخته‌ترین نوع آن وجود می داشت تا شائبه هیچ " خطرخارجی" متصور نمی بود باز وجود ارتش و پلیس برای اداره غل و زنجیرهای درونی آن ضرورت مبرم بود . ارتش و پلیس، ضرورت درونی یك نظام تفاوت و تبعیض است و این ذات سرمایه داری است.

نظام تولید سرمایه داری و"مسئله بازارها"

درنظام سرمایه داری ، نیروهای بارآور کاردرمالکیت‌های جدا از هم سازمان می یابند ، و محرك هرکدام از آنها بدست آوردن‌سود است. میزان‌سود ، لوکوموتیو حرکت و سمتگیری آن‌نیروهاست و از این‌رو امکانات درزمینه‌هائی به کارمی افتند که سود آورتراست.

این‌استدلال که هرچه سود آورتراست لاجرم بحال جامعه و مصرف کنندهٔ "مفیدتر" نیز هست امروزه آنچنان رنگ پریده و بی اعتبار است که هیچ اقتصاد شناس معتبری ولو کمربسته به دفاع از نظام سرمایه داری باشد جرأت دفاع از آن را به خود نمی دهد .

سود ، اگرچه برای مجموع نظام سرمایه در عرصه تولید تعیین‌می شود ولی برای واحد های جدا ازهم سرمایه در بازار وصلت می دهد ومیزان آن‌هم از عوامل بغرنج کنترل ناپذیری نظیر ساختار متغیر بازارها ، توازن متغیر عرضه و تقاضا ، واحد تورم پذیر پول و نظایر آنها تأثیرمی پذیرد وبدینسان انگیزه سود را ، به رهبر متلوّن و غیرقابل‌اعتمادی برای سرمایه گذاری درمی‌آورد و حاصل‌این رهبری‌ دمدمی بی‌نظمی (آنارشی) تولید است.

این برنامه ناپذیربودن تولید درنظام سرمایه، مسئله "بی‌تناسبی " درساختار کل تولید و "عدم تعادل" در نظام را پیش می‌آورد که ثمرهٔ ملموس آن جابه جائی‌ناپذیر بودن مجموعه کالا ها و خدمات در درون نظام و ضرورت "بازارهای خارجی " به مثابه فنر جذب کننده نوسانات شکننده ناشی از آنارشی تولید است.

عامل‌دیگر هم ، وجود "بازارخارجی " رابه ضرورت درونی سیستم بدل می کند: درعرصه رقابت سرمایه‌های متعدد هرکدام از آنها می‌کوشند که زودتر از دیگران هزینه تولید رابه حداقل‌ممکن برسانند و بازارهای‌مطمئنی را باقیمتهای مطلوب(اپتیموم)برای خود تأمین کنند . از این‌رو رقابت برای مواد خام ، نیروی کار و سایرعوامل‌تولیدی ارزان‌تر تضمین‌کننده بقا و رشد سرمایه در میدان تنازع با سرمایه‌های دیگراست. وهمین امردست یابی و نگهداری بازار منابع اولیه و عوامل را به اندازه بازار فروش(رئالیزاسیون) برای آحاد سرمایه ضروری‌سازد .

مسئله‌بازارهاوضرورت‌زور

دسترسی به "بازار" عامده‌ترین عامل جنگ های معاصر است. بشر تاکنون بیش ۱۴۰۰۰ بار جنگیده و بیش از چهار میلیارد تن قربانی داده است. لیکن نخستین جنگی که از خصلت جنگهای معاصر برخوردار بوده جنگ ۱۸۹۸ ایالات متحده با اسپانیا بوده است، بر اثر این‌نخستین‌جنگ امپریالیستی ، ایالات متحد آمریکا ، فیلیپین ، گوام ، پورتوریکو و چند جزیره دیگر را تصرف کرد و بر کوبا نیز مسلط شد که دراین سرزمینها پایگاه‌های‌استراتژیك نیز بوجود آورد . ازآن زمان تاکنون همه جنگها از قوهٔ محرکه امپریالیستی برخوردار بوده‌اند .

تنهاازسال ۱۹۴۵ تاکنون ۶ هزارمیلیارد دلار(۶ تریلیون دلار) هزینه میلیتاریسم شده که بیش از نصف آن را ایالات متحده به عهده داشته است. درهمین فاصلهٔ زمانی آمریکابیش از ۲۱۵ بار به عملیات مسلحانه درعرصهٔ بین‌المللی دست گشوده که بیش از ۳۰ موردآن ، تهدید به استفاده از زور و سلاح اتمی بوده است جنگ جهانی اول که باشرکت ۳۶ کشور و ۷۰ میلیون نفرات و افسرصورت گرفت و جنگ جهانی دوم که باشرکت ۶۱ کشور و ۱۱۰ میلیون نفرات و افسر درگیر شد نیز جنگهای امپریالیستی بودند و باهدف تقسیم مجدد بازارهای جهان واز میان برداشتن موانع گردش سرمایه انجام پذیرفتند .

بدین سان جنگ امپریالیستی ادامهٔ جنگ تجاری و اقتصادی بین دولتهای سرمایه داری است، هرکدام از دولت های سرمایه داری در درون برج و باروئی ازمقررات گمرکی و سیاستهای "حمایتی "، سهم "شیر" ازمبادلات نابرابر جهانی وغارت "جهان سوم" طلب می کنند و هنگامی که پیش بردن جنگ اقتصادی به شیوه‌های بازار امکان ناپذیر شد جنگ‌نظامی در دستور قرارمی گیرد .

"مسئله‌بازارها"وضرورت حکومت های پلیسی

بازارخارجی ، ضرورت بودن و ماندن نظام تولید سرمایه داری است لیکن همانطوریکه فتح بازار خارجی مستلزم برتری فنی ، و نیرنگ و زور است نگهداری آن هم نیازمند "مردهای آهنین" و "دولت های منضبط" است. از این‌رو در سرتاسر جهان هیچ حکومت ضد مردمی ، وابسته و نانجیبی وجود ندارد که از حمایت بی دریغ امپریالیسم برخوردار نباشد. آمریکای لاتین با دهها حکومت نظامی آدمخوار، "قاره سیاه" با داغ نژادپرستی واستثمار خونین ، آسیا این سرزمین سنتی مستبدان فریبکار ودست نشانده ، جمله شاهدگویای حضور دائمی حمایت امپریالیسم از عوامل ستم وجور و استعمار و استثمارند .

بحران درونی نظام،صدورسرمایه‌وکالا وضرورت زور

سالهای بعداز جنگ جهانی دوم شاهد رشد بی‌سابقه نظام اقتصادی سرمایه داری بود ، بهشت نظریهٔ کینزی تدارك شده بود . جنگ اروپا را به ویرانهای بدل کرده بود . سازمانهای کارگری و سندیکائی راگسسته بود انباشت (اکومولاسیون) کالا و سرمایه‌ها را که پیش ازجنگ بصورت متراکم خود مایه بندآمدن بازارها شده بود ازمیان برداشته بود و همه عوامل‌آماده بود تا با تزریق سرمایه و سازماندهی عوامل ، دور نوینی از تولید و انباشت را آغاز کنند .

براین زمینه بود که سرمایه آمریکائی – که از جنگ نیرومندتر سر برآورده بود – ابتکار رشد و هدایت روندهای آن را در اروپا بدست گرفت و دوره رونق بیسابقهای آغاز شد . "دولت ناظر به رفاه" این پدیدهٔ امپریالیسم عهدگذار به سوسیالیسم، زاده شد و دخالت ارشادی دولت در ساز و کارهای اقتصاد ملی و هدایت سرمایه‌گذاریها ، برای مدت دو دهه شرائطی رابه وجود آورد که از بحرانهای مزمن سرمایه داری نسبتا فارغ بود. همین مدت کوتاه رشد فارغ از بحران کافی بود که نظریه پیروان سرمایه را به این توهم گرفتار سازد که گویا آنان‌بماند پشهٔ معجزنمون خویش‌ساز و کارهای بحران را یافته وتوانسته‌اند جامعه‌ای فارغ از بحران . . . که از" رفاه فراوانی " بهره دارد بیافرینند

لیکن رویای این خوش باوریها و لاف زنی ها باکابوس سالهای اواخر دههٔ شصت بریده شد ، بحران جدید با بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج اش سر رسید و اندیشمندان اقتصاد سرمایه 'را نخست شگفت زده به مقاومت و انکار برانگیخت وسپس به هراس و هزیمت دچار ساخت. این‌بحران ، بیماریهای ناشناخته و بیسابقه‌ای‌را مطرح می کرد ، جمع بین دو عنصر ضد یکدیگر یعنی بیکاری وگرانی ، رکود و تورم. دانش اقتصادی سرمایه داری‌تااین زمان آموخته بود که تورم پادزهر رکود است، بیکاری گرانی رامی‌کشد ، و براین اساس ، تزریق پول بواسطه سرمایه‌گذاری دولتی و واگذاری اعتبار، و سیاستهای کسر بودجه بیکاری و رکود را درمان می کرد . ولی پیش‌آمدن مجموعه شگفت انگیزی از بیماریهای مانعه الجمع بیکبارتمام اصول اقتصادی کینزی ، نوکینزی و نوکلاسیك را ، کمباتأکید‌های متفاوت ، اهرم سیاست پولی راکلید افسانه‌ای اداره نظام سرمایه معرفی کرده بودند که به برکتکشفیات ژرف خود توانسته اند نظامی راکه از امکانات تاریخی رشد برخوردار شد مهود "ارشاد کنند " از هم درید ، که" طاس اگرراست نشیند همه کس نراد است".

علیرغم بهانه جوئیهای فراوان دولت های سرمایه‌داری نظیراین‌که ئناه بحران درونی نظام رامثلابه کردن اوپك بیندازند ، و علیرغم کوشش های عالمانه و صمیمانهای که برای حل این بحران بکار بسته شد یك واقعیت هرروز روشنتر از روز پیش رخ نمود و آن اینکه سازوکارهای خود تنظیم گر نظام سرمایه داری افلیج و زمین‌گیر شده‌اند و برانگیختن آنهابه انجام وظایف سنتی‌شان محال‌است. کجاست آن دنیای خود کار و متعادل آدام اسمیت و ریکاردو، کجارفت جهان تعالهای زیبا و رام شده کینز و والراس، چه آمد بر سر نظام موزون و هدایت ناپذیرسولوها رود ، و دومار!

نه این آن بنانیست بلکه تغییر ژرفی دربند بند بنای آن رخ نموده و برگشت ناپذیر شده است. (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۲

دهستان سنجابی ...

می باشد که درمرکز بخش قراردارد .

– درتمام منطقه دبیرستان‌وجود ندارد

●

– بهداشت :

– بعلت هموار بودن زمین‌ها درسطح زمین‌اطراف روستاها ، آب جمع‌شده و تا اواخر بهار راکد می ماند و مراکزی برای‌شیوع انواع بیماری‌هاست.

– آب آشامیدنی اهالی از چاه‌های کم عمق و سرباز تأمین‌می شود که بی نهایت آلوده و غیربهداشتی است.

– درمنطقه توالت بندرت یافت می شود در روستای بابان‌یاور که یکی از بزرگترین روستاهای منطقه است فقط سه توالت وجود دارد .

– خانه‌های محل زیست آنهاتاریك و کم نور است و اکثراً درتمام طول زمستان‌در اطاقی که درآن تنورقراردارد و پراز دود و دیوارهای سیاه است زندگی می کنند .

– درتمامی روستاها ، سرگین که برای سوخت مصرف می گردد در داخل یااطراف آبادی انباشته می شود که مرکز تجمع انواع حشرات است.

دهقانان روستای‌سنجابی انتظاردارند که قانون اصلاحات ارضی بی کم و کاست اجرا شود و دولت انقلابی باکمك‌مالی و فنی به تعاونی های برخاسته از دهقانان راه واقعی پیشرفت اجتماعی و بازدهی فراوان تولید را به روی آنها بگشاید تادیگر جائی برای فتنه‌انگیزی فئودالها وتحمیل‌مناسبات قرون وسطائی به آنها باقی نماند .

با اجرای بند "ج"
ضدانقلاب را در روستا
خلع سلاح کنید!

جعفر کوش آبادی

رؤیای یک سرباز

کبودی هوا
به زیر پای صبح رنگ می‌گشود
و آفتاب
سرك به کوچه‌های شهر می‌کشید.
قطار همچو رود
به پیچ و تاب دشت‌ها و دره‌ها دوید
و ایستگاه
درون پرده های اشك غوطه‌ور
و دستها
در اهتزاز پرچمی گشوده در نسیم
به جای ماند
درختها و خانه‌ها گریختند
و دیدگان تشنه‌اش
سواد شهر را چو یك پیاله شیر جرعه جرعه سرکشید.

به سوی جبههٔ جنوب می‌شتافت
و چرخها به روی ریل طبل جنگ می‌نواخت

کنار پنجره نشست و سیب را
که عطر کوچه باغهای خاکی مراغه داشت
به زیر آرواره‌ها فشرد
و فکرش از قطار
بر آسمان یادها پرنده‌وار پرکشید:

هوا هوای بیست سالگی است
در آبگینه‌ها
درختها خمیده ، ماه برج زهرمار
بنفشه‌وار قریه سر به جیب
فلز ابرها
قفس برای مرغ آفتاب

کسی به فکر چاره نیست
صدای بال دلکش پرنده ای
سکوت کوچه را بهم نمی‌زند
و لاله‌ای ملول
به جای دل درون سینه‌هاست

نگاه می‌کند
زمین پر از خم طلای گندم است
ولی پدر بزرگ
کم آرزوی یك وجب زمین سبز با چگور چشمه ها

به بزم سرخری که مالك است
سرود نان تازه می‌سراید و سرور
زنان و کودکان
به خون دل تمام روز نقش گل
به دار قالی و کناره می‌زنند

گرسنگی امان بریده است
و چار چرخه های زندگی
به جاده‌های سنگلاخ فقر می‌رود...

پدر بزرگ
که در تمام طول شب
در انتظار بوده یکنفر چراغ برکند
به کمترین جرقه‌ای
دلش به سینه می‌تپد
و فکر می‌کند
که روز واقعه رسیده است
و میرود که آفتاب عدل
بر آسمان روستا و شهر گل کند
و دائیش که زورق خیال
همیشه روی شط باور پدر بزرگ رانده
فکر میکند
دو روزه کاخهای شهر زیر و رو
و چهرهٔ زمانه باز می‌شود

ولی زمانه همچنان گرفته می‌رود
و بر مدار بیعدالتی
هنوز چرخ می‌زند
به خانه‌ها هجوم می‌برند
و آفتاب را به بند می‌کشند
شهید از پی شهید
شقایق هزار برگ خون به زلف روزگار می‌زند
و ابر ظلم
زمین و آسمان شهر را سیاهتر، سیاه می‌کند.

پدربزرگ
به دنجگاه قریه دق می‌آورد
و حسرت زمین و باغ را به گور می‌برد
و یأس
دائیش به کوچه می‌کشد

و بر فراز شاخه‌ای که دست آرزو دراز کرده است
که سیب قندك ستاره‌ای بچیند از هوا
شبانه دار می‌زند

زمان به سرعت قطار و برق و باد می‌دود
به شهر کوچ می‌کند
برای اغنیا مراغه خوان هفت رنگ چیده است
برای اوبساط فقر و رنج .
سحر قلم رو گلوله است و جوخه‌های مرگ
و حبس بال سایه‌ای
که گل در انزوای خویش زرد می‌کند.

هنوز لحن کوچه‌ها غریبه‌اند
هنوز دلخوشست زندگی
به آفتاب کاذبی که از میان جلم می‌طلوع می‌کند.

غرور مرده مینماید و عقاب فکر از قفس
رهائیش محال

دلش به سینه تفته آهنی است
که زیر زخمه های پتك رنج
جرقه‌های اعتراض می‌پراکند
و زندگانیش همیشه از سیاهچال گزمگان عبور می‌دهد

شتاب کن شتاب زندگی
مرا ببر به سرزمین دشتهای سبز
پرنده‌های شاد
قنات های نور

عبوس و اخم کرده روزها
سوار ناقه‌های ماه و سال می‌روند
و قالی گلابتون تجربه
که برگ ذرگه ستم فتاده پای می‌خورد
و رنگ باز می‌کند

جرقه‌ها بدل به شعله ، شعله‌ها بدل به آتشی بزرگ می‌شوند
و مسجد از قبای کاشیش غبار می‌تکاند و درختهای آن
بدل به گاهوارهٔ پرنده های شهر می‌شود

سفر به سرزمین جنبشی شگفت می‌کنیم
که موج اعتصاب کارخانه‌هاش

پلی میان ظلمت است و روشنی
و با مهای پرستاره‌اش
کجاوه‌ای که عاشقان به شهر صبح می برد

زمین دردمند
نهیب می‌کشد
وخون زگیجگاه شهر
شتك به آسمان وخاك می زند
وکشتی عظیم انقلاب
که برفراز موجهای سهمگین خون
و تندر گلوله، گرد باد مرگ می رود
بیاری خمینی بزرگ
به ساحل بهار بهمن شکوهمند میرسد.

هوا هوای دیگریست
درختها در آبگینه قامت خمیده راست می کنند
بنفشه خنده می زند
فلز ابرها شکسته می شود
ومرغ آفتاب
به میهمانی درختهای باغ می رود
وروی بوم تازهٔ سخن
بهار قریه های سوخته
بهار زاغه‌های خیس
بهار کارخانه‌هاست.

چه باك اگر یکی دوکوردل
که درهوای لقمه‌های چرب ساز خود
به ساز انقلاب کوك کرده اند
همین که بوی می برند
همای بخت
بر سر ستمکشان نشسته است
بدل به چوب لای چرخ انقلاب می شوند
ولی چه جای غفلت است
مگر نه دیو دشمن از خلیج فارس
بر آسمان آبی طبس تنوره زد
و در سر این خیال خام پخت
که نوژه را چنان تفنگ ژـ۳ی پر از فشنگ
به قلب انقلاب درکند
وچون درخت خدعه‌اش ثمرنداد
جنوب را به شعله های جنگ درکشید

به کوچه باغهای انقلاب پرسه می زند
واز دریچه‌های آرزو
به قریه‌ها نگاه می کند

زبعد قرنها فراق برزگر
نهاده سر بدامن زمین
چگونه چشمه‌ها به بزم او
سرود نان تازه می سراید و سرور
و برزگر چنان به زلف گندم بهاره دست می کشد
که عاشقی به زلف یار

به کارخانه‌ها نگاه می کند
که زیر آفتاب داغ کوره‌ها
فرود آبشار پرصلابتی است
روی پره‌ها چرخ زندگی
به کارگر که زحمتش درخت مثمریست
که هرغروب میوه‌اش به خانه می برد

به رویش بنای سنگی از میان زاغه‌ها نگاه می کند
به زندگی که با گریز جغد فقر
نسیم نان تازه را به ارمغان می آورد

به اجتماع لاله‌ها نگاه می کند
که حکم قتل نسترن به جرم رنگ و بو نمی دهند
و بر زمین
هوای تازه را برادرانه سهم می کنند

قطار مثل نعره‌ای بلند
به پیچ و تاب دشتها و کوههای سنگ می شتافت
وچرخ‌ها بروی ریل طبل جنگ می نواخت

کنار پنجره نشسته بود و می سرود
بزرگراه رستگاری زمین
امید رنجدیدگان خاك ـ انقلاب
تو آرزوی قلبی ستمکشان اگر برآوری
هزار گرد باد جنگ مثل جبههٔ جنوب
نمیتواندت زجای برکند

بقیه از صفحه ۱

دشمنان...

فرهنك سوسیالیستی و پرورش معنوی مردم با اید ئولوژی و روحیات سوسیالیستی گردید در رهبری کشورتلاشهائی برای جهش از مراحل تاریخی و دیدن آرزوها به جای واقعیت مشاهده شد و چنین تصوری پدید آمد که گویا در لهستان برای مبارزه مسلکی ـ سیاسی و طبقاتی دیگرزمینه‌هائی وجود ندارد.

اوضاع امروز لهستان باردیگرحقانیت این سخنان داهیانه را به خاطر می آورد مسئله فقط به این شکل مطرح است: یا اید ئولوژی بورژوائی یا اید ئولوژی سوسیا ـ لیستی. حد وسط در اینجا وجود ندارد. چرا که بشریت هیچگونه اید ئولوژی سومی را تدوین نکرده است. به همین علت هرگونه کم بها دادن به اید ئولوژی سوسیالیستی و هرگونه دورشدن از آن به معنای تقویت اید ئولوژی بورژوازی خواهد بود. در لهستان بیش از هرکشور دیگرسوسیالیستی عوامل ذهنی یعنی کم بها دادن به اید ئولوژی سوسیالیستی و عوامل عینی برای اثر بخشی افکاربورژوازی و خرده بورژوازی براذهان و قلوب مردم خود را آشکار کردند. لهستان تنها کشور جهان سوسیالیستی است که در آن بطور کلی مالکیت فردی در کشاورزی و همچنین هزاران موسسه و بنگاه خصوصی در رشته خدمات و مصرف هنوز حفظ شده است. از سوی دیگر کلیسای کاتولیك که در جامعه لهستان نفوذ دارد با جوامع و کلیساهای کاتولیك در غرب که عمدتا در خدمت امپریالیسم قراردارند، پیوند نزدیك دارد. در محاسبه دقیق نیروهای ارتجاع و امپریالیسم بین المللی دیرزمانی است که روی این عوامل حساب می کنند. بویژه پس از روی کارآمدن برژینسکی این عضو ضد کمونیست کینه ـ توز در دستگاه دولت آمریکا، لهستان به مثابه حلقهٔ اصلی و ضعیف برای ایجاد شکاف در سیستم جهانی سوسیالیسم برگزیده شد. درعین حال هدف از طرح براندازی نظام سوسیالیستی در لهستان ایجاد تزلزل در محیط صلح و آرامش در اروپا وکلا جهان است. این طرح که مستقیما برضد نظام سو ـ سیالیستی در لهستان تدوین شده، درعین حال علیه امنیت اروپاتدوین شده زیراتحقق این طرح توازن نیروها در اروپا و ثبات در روند تاریخی این قاره را برهم خواهد زد.

و بهمین علت است که بحران لهستان چه در درون کشور و چه در اروپانگرانی روزافزون بسیاری از دولتمردان و حتی شخصیت های مذهبی کاتولیك را نسبت به اعمال عناصرماجراجو از "کمیتهٔ دفاع کارگران" برانگیخته است. این عناصرماجراجو تلاش دارند توده‌های کارگرعضواتحادیه "همبستگی" را به خاطر اهدافی که هیچگونه وجه مشترکی با منافع واقعی زحمتکشان لهستان ندارند، براه بی آینده و خطرناکی بکشانند. این واقعیتی است که در لهستان از جانب رهبری کشور خطاها و اشتباهاتی وجود داشته که ارگان رهبری حزب قبل از همه قاطعانه تر از دیگران آنها را مورد انتقاد قرارداده و مرتکبین و مسئولان این خطاها را محکوم کرده است. از سوی دیگرانتقاد و انتقاد از خود توده‌های مردم ابراز نارضایتی از بدی اداره امور و انجام کارها، اعترافات نسبت به سوءاستفاده‌ها که به بخشی از اعضاء و مسئولان حزبی هم سرایت کرده، اعتراض به تناقضات میان گفتارها و کردارها همه اینها خود از نتایج مستقیم آگاهی اجتماعی و حس وظیفه شناسی توده‌های کارگر بود و قبل از همه حزب پیشاهنگ این طبقه بود که از خود واکنش جدی و مثبت نشان داد. واین امر نشانه آن است که نه اید ئولوژی بورژوازی، بلکه درست همان اید ئولوژی سوسیالیستی است که متوجه این نارسائیها گردیده و به پاکسازی سوسیالیسم از تمام آن عناصر و پدیده‌هائی که با سرشت واصول آن ناسازگارند پرداخته است.

حزب پیشاهنك طبقهٔ کارگرلهستان در روند بیان اعتراضات و انتقادات که در موارد حتی جنبه‌های عصیانی به خود می گرفت توانست پدیده ناسالم و منفی را از جریان ها و پدیده‌های سالم و سازنده ومثبت به درستی تشخیص دهد آنها را از یکدیگر جدا کند و پدیده‌های سازنده و مثبت را تقویت کند که این خود موجب تقویت مواضع حزب گردید. اما سررشته جریان های ناسالم بدست دشمن مکار و کارآزموده است که در برابر حزب طبقه کارگر و سوسیالیسم بعنوان نظام اجتماعی در لهستان قرارگرفته است، این دشمنان برای گمراهی و فریب توده ـ های ناآگاه نیات واقعی خود را پنهان می ـ کنند و از نیروهای ذخیره زیادی در رسانه ـ های گروهی و در میان روشنفکران ناآگاه جامعه لهستان و همچنین دهقانان خرده ـ پاکه اسیر نظریات فردگرایانه خود هستند، بهره برداری می کنند. سرنوشت سوسیالیسم و آینده مستقل لهستان و سرنوشت منافع اجتماعی و ملی دیرپای مردم این کشور با وحدت جامعه سوسیا ـ لیستی و حفظ توازن و تعادل سیاسی و ثبات در اروپا و نهایتا با سرنوشت تشنج ـ زدائی و صلح در اروپا و جهان پیوند دارد. اعمال ماجراجویانه و غیر مسئولانه نیروهای افراطی راستگرا که خود را در پوشش شعارهای افراطی پنهان کرده و به خاطر تمایلات ارتجاعی خود وبه تحریك حامیان خویش سعی در تشدید وضع بحرانی این کشور دارند قبل از همه به منافع دراز مدت مردم لهستان و صلح و امنیت در اروپا لطمه وارد می آورند ■



اتحاد مردم
شماره ۷۹ دوره دوم دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۶۰

اروپا، نه "یوروشیما"

هم اکنون شروع کرده اند اروپا، مهد تنش زدائی را، "یوروشیما" بنامند، که سرنوشت فاجعه آمیز هیروشیما را بخاطر میآورد آیا این یك مبالغه است؟ شاید. اما در هر حال هم اکنون سلاح هسته ای در "دنیای کهن" بیش از حد فراهم شده است. کار را به آنجا می کشند، که دو سال دیگر (۱۹۸۳) در بخش باختری این قاره یك مجتمع هسته ای دیگر از حدود ۶۰۰ موشك آمریکائی با برد متوسط "پرشینگ-۲" و موشك های بالدار باید بوجود آید.

آیا اروپا می تواند از چنگال موشکی شدن بعدی و تبدیل به یك مخزن موشکی - هسته ای سراسری رهائی یابد؟

می تواند، اگر برای آغاز کار لااقل در تثبیت کمی وکیفی میزان موجود وسایل موشکی - هسته ای با برد متوسط کشورهای ناتو و اتحاد شوروی، و از جمله در بخش جدائی ناپذیری از تناسب نیروهای هسته ای در اروپا چون وسائل پایگاه مقدم آمریکا در این منطقه، توفیق حاصل شود. بویژه چنین پیشنهادی در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی شده است.

لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی بار دیگر هفتم آوریل در سخنرانی خود در پراگ اهمیت این اقدام را گوشزد کرد.

می تواند، اگر مسکو و واشنگتن مذاکرات شروع شده در پائیز سال گذشته در ژنو برای محدود کردن تسلیحات هسته ای در اروپا را ادامه دهند و کوشش کنند مذاکرات را به سرانجام سازنده ای برسانند.

می تواند، اگر روند محدود کردن تسلیحات استراتژیکی را که در دهه گذشته شروع کرده اند در سالهای ۸۰ ادامه دهند و دیگر کشورهای هسته ای نیز بدان بپیوندند.

لیکن در ناتو پیشنهادات شوروی در باره "موراتوریوم" (تثبیت وضع کنونی) را غیرقابل قبول اعلام کردند و آنرا همچون پیشنهاداتی غیرقابل مباحثه رد کردند. سئوال می شود: چرا؟ پاسخ می دهند: موراتوریوم موجب تحکیم برتری می شود که اتحاد شوروی در وسایل هسته ای با برد متوسط بدست آورده است. سئوال می شود: این برتری در چه، و در کجاست؟ هیچکس آنرا به اثبات نرسانده است. شواهد بسیار و به قدر کافی معتبر وجود دارد، که ذخیره هسته ای ناتو در اروپا کمتر از شوروی نیست.

این که چرا در آمریکا موراتوریوم را رد می کنند فهمیدنی است. استراتژهای واشنگتن که "پرشینگ" ها و موشك های بالدار را در اروپای غربی مستقر می کنند، امیدوارند تصادم هسته ای ممکن را به آن محل محدود کنند و امکان ندهند که به اراضی آمریکا کشانده شود آنها در عین حال با افزایش حضور نظامی خود در اروپای غربی در نظر دارند حضور سیاسی خود را نیز بیافزایند. دیگر از سود های کلان مجتمع های نظامی - صنعتی، که به تولید سیستم های جدید موشکی - هسته ای می پردازند، صحبت نمی کنیم. با نزدیک کردن این سیستم ها به مرزهای اتحاد شوروی آنها امیدوارند که موضع قدرت را اشغال کنند و ورق تازه ای در مذاکرات بدست آرند. ظاهرا به نظر می رسد که فقط و فقط سود خواهند برد.

اما در واشنگتن دو عامل بزرگ را به اندازه کافی ارزیابی نمی کنند: نیروی مقاومت افکار عمومی اروپای غربی را، و نیروی عمل متقابل اتحاد شوروی را، که وسائل لازم در اختیار دارد تا در مقابل اینگونه تلاش ها جهت تحصیل برتری نظامی بر او قرار دهد. در این محاسبه که جنگ هسته ای به حدود اروپا محدود شود نیز خطای استراتژیکی جدی وجود دارد. همه واقعیات نشانه آن است که انفجار در اروپا، مرکز یك زمین لرزه عالمگیر خواهد شد.

پس چرا در محافل حاکمه اروپای غربی موراتوریوم را رد می کنند؟ چرا از امکان نجات اروپا از اشباع این قاره با سلاح های موشکی - هسته ای امتناع می ورزند؟ دلایل قانع کننده ای به چشم نمی خورد. برپا کردن تعادل می توانست دلیل این امر باشد. اما تعادل هم اکنون موجود است. اتفاقا بوسیله "پرشینگ - ها" و موشك های بالدار می خواهند تناسب کنونی را به هم زنند و تفوق نظامی بدست آرند - لیکن تجدید تسلیحات جنبه - های مثبت که ندارد هیچ، جنبه های منفی بسیار دارد. ایجاد مجتمع های موشکی - هسته ای جدید به هیچوجه ارزان تمام نمی شود. بهای آن را همچنین با تضعیف استقلال سیاسی و کاهش نقش اروپای غربی در سیاست جهانی هم باید پرداخت، که در بن، پاریس، رم و دیگر پایتخت ها خیلی گرانبهاست. نقشه های تجدید تسلیحات موشکی - هسته ای در حقیقت امر سبب تفرقه در جوامع غربی شده است، اعتراضات و مخالفت های گسترده ای را بوجود آورده است دشواری های سیاسی زیادی برای محافل حاکمه ایجاد کرده است.

شایسته می بود، که به هشداری که از تریبون کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی داده شد. با همه جدیت لازم توجه می شد. در این هشدار تذکر داده شد، که تحقق تصمیمات ناتو متخذه در جلسه بروکسل وضع نظامی - استراتژیکی در اروپا را، که بدون آن هم خطرناك است، شدید تر می - کند و ناگزیر اقدامات متقابل را در پی دارد. که تحقق این تصمیمات نمی تواند در مناسبات اتحاد شوروی با هر یك از کشورهائی که اراضی خود را محل استقرار اسلحه ای می کنند، که تهدیدی برای اتحاد شوروی است، تأثیر می کند. که تحقق این تصمیمات دور بازهم گرانتر و خطرناکتری از مسابقه تسلیحاتی را به دنبال می آورد. آیا اروپا خواهان این است آیا همه ما خواهان این هستیم؟

بقیه از صفحه ۱

کشف شبکه...

گذاری به سازمان جلب می کرده است. این سازمان با بختیار و دیگر خائنان فراری از کشور تماس داشته است و شیوه کار آن بخصوص در مورد بمب گذاری در محل نماز جماعت و دیگر مراکز حساس از جانب بختیار به آنها توصیه میشده است.

اظهارات حجت الاسلام محمدی ری شهری واعترافات عضو دستگیرشده این شبکه از روی ابعاد وسیع فعالیت ضد انقلاب پرده برمی دارد و مهمتر از همه این که نشان می دهد که ضد انقلاب در بازار و حتی در میان عده ای از روحانیون (یا روحانی نمایان) قم هم دست داشته و از جانب این محافل پشتیبانی و هدایت می شود. حتی عده ای از بازاریان برای بختیار خائن شماره حسابهائی در بانك دارند وبرای تامین اعتبارات مالی نیروهای ضد - انقلاب به این حسابها پول میریزند. کشف این شبکه خطرناك ضد انقلاب از یك سو موجب خرسندی و نشانه ای از هشیاری و جدیت نهاد های انقلابی در کشف و خنثی کردن فعالیتهای مخرب وتوطئه های نیروهای ضد - انقلاب است و از سوی دیگر هشداری است جدی به همه نهاد های انقلابی، مقامات مسئول و همه نیروهای اصیل انقلابی که صادقانه از انقلاب ونظام جمهوری اسلامی دفاع میکنند در عین حال هشداری است که ضد انقلاب از توطئه های جنایت آمیز خود لحظه ای هم دست بردار نیست و هر روز با اشکال تازه و ابعاد وسیعتری توطئه های خود را برای شکست انقلاب وبراندازی جمهوری اسلامی ایران گسترش میدهد. مطلب جالب وهشدار دهنده دیگر در کشف این توطئه شرکت عده ای از بازاریان وکمکهای مالی آنان به توطئه گران ونیز شرکت عده ای از روحانی - نمایان حتی در قم است. این بازاریان همان - هائی هستند که در تمام دوران پس از انقلاب باحداکثر استفاده از نابسامانیهای اقتصادی محاصره اقتصادی کشور از جانب دول امپر - یالیستی ورکود در تولید به علل عینی ویا علل دیگر از دسترنج زحمتکشان که بیش از همه فشارها ومحدودیتهای اقتصادی را تحمل میکنند ودر دفاع از انقلاب ونظام جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز رژیم جنایتکار صدام بیش از همه قربانی می دهند، بر ثروت های خود بیافزایند. این تعداد از بازاریان که در شبکه توطئه بمب گذاری دست دارند وهزینه نیروهای ضد انقلاب را تامین میکنند همان سرمایه دارانی هستند که ۱۲۰ میلیارد تومان در سال اخیر منفعت برده اند در حالی که وضع زندگی مادی زحمتکشان در نتیجه گرانی سرسام آور قیمتها واحتکار و دیگر عوامل بمراتب بدتر شده است.

بدین ترتیب ریشه این توطئه ها ونیرو - های ذخیره وعناصر سازمان دهنده آنها را در میان آن طبقات واقشاری باید جستجو نمود که پیروزی انقلاب وروند تعمیق آن در راه منافع آزمندانه آنان سدی ایجاد میکند. آن عده از روحانیون یا روحانی نمایان هم که با این شبکه توطئه همکاری داشته اند کسانی هستند که با این عده از بازاریان ونیز زمینداران بزرگ پیوند و منافع طبقاتی مشترکی دارند. پس برای از میان برداشتن زمینه های داخلی جهت تکوین وسازمان یابی چنین توطئه هائی قبل از هرچیز به حل مسائل گرهی وبنیادی جامعه باید پرداخت. تا زمانیکه اهرمهای اقتصادی از دست اینگونه بازاریان وزمین - داران بزرگ گرفته نشود، بطور مسلم آنها این اهرمها را به اشکال گوناگونی از گرانفروشی و احتکار گرفته تا تشکیل شبکه های توطئه و تخریب واجیر کردن اراذل واوباش وحتی عناصر ناآگاه برای اجرای این توطئه ها بکار خواهند گرفت. اختلافات در درون مقامات مسئول وهیئت حاکمه که بخش اعظم وقت نیرویشان را صرف مناقشات درون خود می - کنند، برای تکوین و سازماندهی چنین توطئه - هائی در شرایط سرخوردگی ودلسردی که در نتیجه ندانم کاری ها، انحصارطلبی ها و خود محوری های جناحهای مختلف هیئت حاکمه در مردم ایجاد میشود زمینه های مساعد را فراهم می کند. این مناقشات واختلافات که به صورت ظاهر بر سر مسائل مختلف اداره امور مملکت متجلی می شود، از همان ریشه های طبقاتی و مسائل گرهی در روند تعمیق و گسترش انقلاب نشأت می گیرند و تا زمانی که ریشه های طبقاتی بینش ها و مواضع این مسائل گرهی مشخص نشود، این اختلافات ادامه خواهند یافت و زمینه های مساعد برای سازماندهی و تحقق توطئه های گوناگون علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران همچنان وجود خواهد داشت■

برای گرامیداشت قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲

قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ رستاخیز خلق ستمدیده ما در برابر بیدادگری های نظام ضد خلقی شاه خائن وحامیان آمریکائی - انگلیسی وی بود. این قیام نشانه درخشانی از انفجار خشم فرو خورده مردم قهرمان ما پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد بود که این بار نه تنها امپریالیسم انگلیس، بلکه امپریالیسم آمریکا را به عنوان سردمدار امپریالیسم جهانی هدف قرار داده بود.

مردم ما با تجربه کودتای ۲۸ مرداد آموخته بودند که سیاست ناپیگیر ملی گرایان در مبارزه با امپریالیسم موجب شکست و ناکامی شان در جریان نهضت ملی کردن صنعت نفت شده است. زندگی روزانه به آنان آموخته بود که امپریالیسم تجزیه ناپذیر است و لذا نمی توان با تکیه بر یکی با دیگری مبارزه نمود.

انعکاس این تجربه در میان روحانیت مترقی و مبارز که عمیقا به تعهدات آرمانی خود در برابر توده های میلیونی مردم وفادار بودند، موج عظیمی ایجاد نمود که امروز نتایج آن را به چشم می بینیم.

امام خمینی در میان روحانیت متعهد و مومن به اسلام راستین و سازش ناپذیر نخستین کسی بود که تجربه، نیازها وآرزوهای خلق زیر تازیانه دربار و استعمار را - در خود متبلور ساخت و بی باك و نستوه در بیان نامه تاریخی خود ناقوس مبارزه پیگیر با امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا را به عنوان یگانه شرط واقعی رهائی خلق از نحوست دربار و امپریالیسم به صدا در آورد:

"... هرگرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است. از آمریکاست ملل اسلام از اجانب عموما واز آمریکا خصوصا متنفراست. انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را به بهای ناچیز برده و می - برد... آمریکاست که از اسرائیل وهواداران آن پشتیبانی می کند. آمریکاست که به اسرائیل قدرت می دهد که اعراب مسلم را آواره کند. آمریکاست که وکلا را بی واسطه بر ملت ایران تحمیل می کند. آمریکاست که اسلام و قران مجید را به حال خود مضر می داند... آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می کند. بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کند".

این دعوت تاریخی برای پاره کردن زنجیر اسارت امپریالیسم آمریکا و انگلیس و فراخواندن توده های خلق به صحنه مبارزه اگر چه در شرایط بغرنج رفرم آمریکائی شاه نتوانست شیرازه نظام جبار پهلوی را از هم بگسلد و با سرکوب خونین قیام توده - های مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ یك چند به فراموشی سپرده شد، اما به سنتی انقلابی برای تدارك قیام عمومی خلق برضد دربار و امپریالیسم بدل گردید.

امروزکه هیجدهمین سالگرد این قیام در شرایط پیروزی انقلاب اسلامی خلقی ایران برگزار می شود، شعارهای اصیل ضد امپریا - لیستی آن روز تاریخی که در بیان نامه تاریخی امام خمینی تبلور درخشان دارد، همچنان فعلیت خود را حفظ کرده است.

عوامل و همیاران رنگارنگ امپریالیسم امروز در کار تخریب و مخدوش کردن این

بقیه در صفحه ۷

درشناخت امپریالیسم معاصر ۶
گروه‌بندی‌های بین‌المللی انحصاری دولت

سرمایه داری انحصاری دولتی در عرصه بین‌المللی به صورت گروهبندی‌های انحصاری بین‌دولتی عمل می‌کند: مانند جامعه اقتصادی اروپا (C.E.E) اتحادیه اروپائی مبادله آزاد (A.E.L.E)، بانک بین‌المللی رشد و نوسازی (B.I.R.D)، صندوق بین‌المللی پول (F.M.I)، اتحادیه بین‌المللی رشد (A.I.D) وغیره. جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) یکی از نمونه وارترین سازمان‌های انحصاری دولتی است. از ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۳ جامعه اقتصادی اروپا معرف گروه بندی انحصاری شش دولت اروپای غربی زیر بود: جمهوری فدرال آلمان فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند ولوکزامبورگ. در ۱۹۷۳ سه کشور بریتانیا، ایرلند و دانمارک به آن اضافه شدند. سرمایه انحصاری این جامعه از قدرت عمومی کشورهای عضو برای تقویت استثمار خلق‌ها در کشورهای خود و کشورهای دیگر، عملی ساختن سیستم نواستعماری جمعی، سرکوب جنبش انقلابی و مبارزه متحد با سیستم جهانی سوسیالیستی استفاده می‌کند. امپریالیسم جهانی درمقابله با دعوت صلح آمیز اردوگاه سوسیالیسم در زمینه مسابقه برای تأمین والاترین پیشرفت های مادی ومعنوی اجتماعی و نیز برای تحکیم مواضع خود همه کوشش هایش را درمقیاس بین‌المللی بسیج نموده و در اشکال مختلف به همپیوندی اقتصادی متوسل می‌شود.

همانطور که گفته شد، این تمایل به گروه بندی های انحصاری بین دولتی بدو آتضاد روزافزون میان نیروهای مولده و مناسبات تولیدی را در بطن سرمایه داری جهانی آشکار می‌سازد. اجتماعی شدن تولید از مرزهای ملی فراتر می‌رود. سرمایه خود را در چارچوب ملی محدود می‌بیند. تخصصی شدن تولید وپیدایش شاخه‌های نو، همچنین استفاده از مواد جدید در کشاورزی وتحکیم نقش پژوهش در گسترش تولید مادی به هم‌پیوندی امپریالیستی کمك می‌کند و درعین حال حجم تولید راافزایش می‌دهد و درنتیجه نیازمند بازارهای بسیار عظیم تازه برای فروش کالا های ساخته شده است.

باوجود این، ظرفیت بازارهای داخلی در شرایط سرمایه داری به واسطه پائین بودن قدرت خرید توده‌های زحمتکش محدود است. بازارها کندتر از امکانات تولید گسترش می‌یابند. از سوی دیگر، پیدایش و ترقی سیستم جهانی سوسیالیستی و نیز رهائی مستعمرات قدرت انحصاری امپریالیسم را در بازارهای خارجی درهم می‌ریزد. نابرابری رشد اقتصادی سرمایه داری نشان می‌دهد که مبارزه بین قدرت های امپریالیستی برای باز تقسیم بازارهاومناطق نفوذ شدت می‌یابد. امااوج گرفتن فعالیت انقلابی زحمتکشان و پیشرفت های نیروهای صلح و سوسیالیسم توسل به جنگ را برای تقسیم جهان که درگذشته معمول بود، بیش از پیش ناممکن می‌سازد. ازاین‌رو سرمایه‌داری انحصاری دولتی می‌کوشد با ایجاد سازمان‌های انحصاری بین‌دولتی راه حلی برای مسأله بازارهای خارجی پیدا کند. این سازمان‌ها بنابه ماهیت خود، قادر نیستند تضاد های درونی و بیرونی و بین‌امپریالیستی سرمایه‌داری راازمیان بردارند. آنها فقط شکل‌های مبارزه را تغییر می‌دهند و لذا نمی‌توانند از شدت آن بکاهند. چنانکه، انحصارات بزرگ آلمان غربی و فرانسه مواضع برتر خود را به درون بازار مشترک منتقل کرده‌اند. بین این انحصارات هیچ وحدتی وجود نداشته ونمی‌تواند وجود داشته باشد. هرعضو می‌کوشد در بازار مذکور موقعیت مناسب‌تری بدست آورد دقیقا بین این گروه بندی‌های انحصاری و در درون بازار مشترك است که مبارزه‌ بسیار حادی جریان دارد. پذیرش بریتانیا به بازار مشترك کاری جز تشدید تضاد های درونی آن انجام نداد. امپریالیسم بریتانیا می‌کوشد راه حلی برای مشکلات خود بیابد و مواضعش را در اروپای غربی به ضرر شرکای تازه خود تقویت نماید.

رقابت بین بازارمشترك و امپریالیسم آمریکا شدت یافته است. بازار مشترك یك رقیب جدی برای امپریالیسم آمریکا به شمار می‌رود.

هنگامی که به تضاد های درون بازار مشترك اشاره می‌کنیم نباید از یاد ببریم که سرمایه انحصاری "کشورهای همپیوند" از عقب راندن رقیبان خود در اروپا و آمریکا سود برده است.

اتحادهای شخصی بین سرمایه انحصاری و دولت‌های بورژوایی تحکیم می‌یابد

تحول سرمایه داری انحصاری دولتی رامی‌توان درقلمرو تحکیم اتحاد های شخصی بین سرمایه انحصاری و دولت‌های بورژوائی مشاهده نمود. لنین نشان داد که این اتحاد های شخصی ویژه سرمایه داری‌است که به مرحله امپریالیستی خود رسیده. دراین زمینه دونشانه مهم و برجسته قابل ذکر است: نخست این که کارمندان بلندپایه دولت پست های مهمی در شوراهای رهبری انحصارات خصوصی یابانك ها اشغال می‌کنند. "دوم این که عوامل انحصارات و صاحبان شرکت‌های بزرگ یابانك ها مسئولیت های درجه اول (تا مسئولیت کرسی ریاست جمهوری) را در دولت های بورژوائی بدست می‌آورند.

دراین باره، مخصوصا می‌توان ازمجتمع‌های نظامی ـ صنعتی که شکل ویژه‌ای از اتحاد های شخصی هستند نام برد. بدین معناکه درکشورهای امپریالیستی بین محافل نظامی و انحصاراتی که به تولید تسلیحات می‌پردازند، درآمیختگی وجود دارد.

پس از جنگ دوم جهانی، شکل جدیدی ازاتحاد شخصی پابه عرصه وجود نهاد و آن تأثیر سازمان‌های نمایندگی سرمایه خصوصی بر حکومت های بورژوائی است. گروه بندی‌های صنعتی درهمه کشورهای امپریالیستی وجود دارد: مانند اتحادیه ملی صاحبان صنایع در ایالات متحده، اتحادیه صنعت فدرال درجمهوری فدرال آلمان، کنفدراسیون ملی صنعت درایتالیا. این گروه بندی‌ها تحت هرنامی که باشند. بدون رأی آنها کوچکترین مسأله در زندگی اقتصادی ـ وحتی سیاسی ـ حل و فصل نمی‌شود. حتی فعالیت های جامعه اقتصادی اروپا زیر نظارت و هدایت سازمان بین‌دولتی سرمایه انحصاری چون اتحادیه صنایع جامعه اروپائی (U.N.I.C.E) که بدین منظور بوجود آمده قراردارد. این سازمان به عنوان نماینده تام‌الاختیار صنعت کشورهای عضو جامعه برای خود حق دخالت در برابر اقدامات مقامات رسمی جامعه اقتصادی اروپا قائل است نمایندگان اتحادیه صنایع جامعه اروپائی درعین‌حال اعضای رسمی هیأت های تصمیم گیری و همکاران جامعه اقتصادی اروپا (C.E.E) جامعه ذغال و فولاد اروپا (C.E.C.A) و جامعه انرژی اروپا (EURATOM) هستند.

نقش اقتصادی
دولت بورژوایی درشرایط کنونی

نقش دولت بورژوائی دراقتصاد سرمایه‌داری با پیشرفت سرمایه انحصاری دولتی تحکیم یافته است. "او (یعنی سرمایه انحصاری. م) هرچه وسیع‌تر از اهرم هائی چون تشویق به تمرکزانحصاری تولید و سرمایه ها توسط دولت باز تقسیم بخش همواره زیادتر درآمد ملی به وسیله دولت سفارش های نظامی به انحصارات، سرمایه‌گذاری دولتی دربرنامه های صنعتی و پژوهش های علمی، تدوین برنامه برای رشد اقتصادی به مقیاس ملی، سیاست همپیوندی امپریالیستی، شکل‌های جدید صدور سرمایه استفاده می‌کند" (کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری ص ۱۹).

با توجه به بیان فردریك انگلس، در گذشته دولت با مراقبت از مالکیت طبقه بورژوا و مدیریت امور تنها نقش "پاسبان شب" را ایفاء می‌نمود و محرك آن نبود. اما هنگامی که اجتماعی شدن تولید سرمایه‌داری به درجه رفیعی اعتلاء یافت و همه تضادهای سرمایه داری به اوج خود رسید، سرمایه داری انحصاری و دولت دریکدیگر ادغام شدند. سرمایه انحصاری برای مداخله درهمه قلمروها، بخصوص در روند باز تولید از ماشین دولت سود می‌جوید. امااین بدان معنانیست که دولت، چنانکه تئوری پردازان بورژوا و رفرمیست هامدعی‌اند، به نیروی فوق طبقات تبدیل شده باشد. سرمایه انحصاری نقش رهبری‌خود رادرون اتحادتنگی که انحصارات و دولت بورژوائی را به هم پیوند می‌دهد، حفظ می‌کند.

فردریك انگلس گفته است: "دولت در حقیقت، دریك شکل متمرکز، چیزی جز بازتاب نیازهای اقتصادی طبقه‌ای‌که بر تولید فرمانرواست، نیست" (مارکس ـ انگلس مجموعه آثار ص ٦٤٥).

البته، نقش فعالی که دولت در قلمرو اقتصادی ایفاء می‌کند، نمی‌توان انکارکرد. برای درك صحیح روندی‌که اکنون درکشورهای سرمایه داری جریان دارد، بررسی شکل‌های دخالت دولت بورژوائی درزندگی اقتصادی اهمیت دارد. از سوی دیگرباید از پر بهادادن به امکانات این‌مداخله پرهیز کرد. بنابراین نخستین گام در این رابطه تحلیل حدود، نتایج و ماهیت طبقاتی آن‌از دیدگاه جهان بینی طبقه کارگراست.

هنگامی که دولت بورژوا (غالبا تحت فشارتوده‌های زحمتکش) بعملی کردن موسسات می‌پردازد، بطریقی عمل می‌کند که به منافع سرمایه انحصاری لطمه وارد نیاید. ازاین‌رو هزینه‌های هنگفت نوسازی تجهیزات فنی را به‌زحمتکشان تحمیل می‌کند. دولت بورژوا درآمد ملی رابه نفع سرمایه انحصاری تقسیم کرده و مخصوصاً از راه نظامی کردن اقتصاد سودهای کلان و بازار فروش برای کالاهایش فراهم می‌آورد. علاوه براین، دولت در دوران بحران اقتصادی کمك های مالی عظیمی دراختیارانحصارات قرارمی‌دهد. وبدین سان نتایج نامطلوب بحران های اقتصادی رابرای گروههای معینی ازسرمایه انحصاری کاهش داده، بارسنگین دشواری‌های پدیدآمده را به دوش زحمتکشان می‌اندازد.

دولت بورژوا به توسعه طلبی خارجی انحصارات خصوصی و اعتلای قدرت رقابت امپریالیسم ملی در بازارهای خارجی کمك کرده و درموارد معینی برای دمپینگ (رقابت مکارانه) سرمایه گذاری می‌کند. دولت به حساب مالیات دهندگان انحصارا را ازخطری که مخصوصا در دوران کنونی، دوران فروپاشی استعمار برای صدورسرمایه به کشورهای در راه رشد وجود دارد، مصون می‌دارد.

دولت بورژوابه نفع انحصارات به تدوین واجرای قوانین ضد کارگری پرداخته و بدین سان به ابزار تحکیم استثمار توده‌های زحمتکش و به معنای خاص کلمه به کمیته مدیریت امور بورژوازی انحصاری تغییر شکل یافته است.

بقیه از صفحه ٦

برای گرامیداشت...

شعارهای سرنوشت ساز انقلاب اند. آنها برای بیرون کشیدن امپریالیسم از ضربات قاطع خلق وترمز کردن انقلاب با چهره‌های مختلف به میدان آمده‌اند.

اسلام معاویه و برژینسکی یکی از آن چهره هاست که پادوهای امپریالیسم به اتکای آن مانع اصلاحات عمیق اجتماعی و کوتاه کردن دست چپاولگر فئودال‌ها، کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران می‌شوند. باید این توطئه عظیم راکه از درون بتخریب انقلاب مشغول است فاش و برملا ساخت.

گرایش های ارتجاعی و ضد خلقی که زیر قبای اسلام معاویه و برژینسکی خود را پنهان کرده‌اند، می‌کوشند باتفاسیرآشفته و مغلوط اخبار و احادیث از تحقق ایده‌آلهای انساندوستانه اسلام راستین در رهائی توده‌های مردم از قید استعمار و استثمار جلوگیری بعمل آورند.

این تلاش‌ها برای این است که درعمل به توده‌های زحمتکش بباورانند که رهائی‌شان از قید استعمار و استثمارافسانه‌ای بیش نیست و لذااین جانبازیها هیاهوئی بسیار برای هیچ بوده است.

برای خنثی کردن این توطئه بزرگ امپریالیستی باید بدون لحظه‌ای درنگ پایگاه اساسی امپریالیسم را در درون کشور که عبارت از بزرگ زمینداران و کلان‌سرمایه‌داران هستند، فروکوبید و به فقر، بی‌سامانی ومحرومیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی توده‌های خلق پایان داد تاامپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا نتواند خود را از زیر ضربه بیرون آورد و به روی آرمان‌های انقلابی قیام ۱۵ خرداد و انقلاب خلقی ۲۲ بهمن خط بطلان کشد.

توضیح:

بحث درباره مسأله اساسی تئوری شناخت از دیدگاه دیالك تیك در شماره آینده دنبال خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱

ندای خرد واقع بین

بیشترین تکیه از یك سو برمردم بوده است و از سوی دیگر برمجلس و شورای نگهبان که دستگاه سنجش درستی مصوبات مجلس است
"ملت این هاست که شما می بینید در کوچه و بازار و این هائی که در جنگ هستند و این هائی که درهر روز می آیند و می گویند ما می خواهیم برویم جنگ .ملت من وتونیستیم ملت آنها هستند. میزان آنها هستند".
"مجلس بالا ترین مقامی است در این مملکت. مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن رأی را پذیرفت، هیچ کس حق ندارد یك کلمه راجع به این بگوید. من نمی گویم رأی خودش را نگوید. بگوید . . .اما اگر بخواهد فساد کند ، به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا ،این فساد است و مفسد است یك همچه آدمی . . ."
"به مجرّد این که مطلبی برخلاف رأی یك نفراست نباید بگوید مجلس درست نیست . . . این خودش درست نیست. نباید بگوید شورای نگهبان درست نیست. این خودش درست نیست. باید خودش را اصلاح کند".

انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران ، پس از بیش از دو سال ، هنوز دریائی جوشان و خروشان است. کسانی که همراه موج پر صلابت این دریا به اوج آمده اند ، بلندی شان درحقیقت بلندای موجی است که برآن تکیه زده اند. قدرت شان نیز همان قدرت تراکم آن است. کسانی که از انبوهی میلیونها مردم به صحنه آمده و از جوشش انقلابی شان درباره خود و اهمیت نقش فردی یا گروهی خود به اشتباه افتاده اند، کسانی که برتحول سیاسی توده ها درجریان تجربه های انقلابی وجابه جائی هائی که درعرصه پیکار انقلاب صورت می گیرد چشم می بندند واز آن بدتر در برابر آن به انکار و لجاج می ایستند، به چنین کسانی است که امام هشدار می دهند :
"این معناها را ازگوش تان بیرون کنید ، آقایان ، که این مردم دیگر ازجمهوری اسلامی کنا ررفتند . خیر، شماها کنار رفتید ".
"این ها توی اطاقهای خود نشسته اند و حساب می کنند. این ها نمی روند که ملت میلیونی را محاسبه اش بکنند". "شماها چه کاره اید ؟ . . . این ها ــ بخوان : روحانیت متعهد ــ هستند که شما را توی میدان آوردند و وزیر و وکیل و نمی دانم چی کردند یا فرض کنید بالا تر".
به کسانی که سراسیمه از روند ناگزیر گسترش و دگرگونی ریشهای انقلاب دم از بن بست می زنند، امام به درستی می گویند: "شما به بن بست رسیده اید . . . مملکت اسلام که به بن بست نمی رسد . همین مردم ، همین پیر زنها یا مرد ها و جوانها و بچه ها ، از این بن بست بیرون می آورند مملکت را". و این گواه براعتماد بزرگی است که ایشان به مردم ساده دارند و بی تکلف دست خدا را در جمع دست های این مستضعفان می بینند. وبه نام همین انبوه مردم ساده است که با مدعیان به صراحت می فرمایند : "شما ایستاده اید تا پای این که ایران نباشد". و نهیب می زنند :
"دست بردارید از این فضولی ها . . . بترسید از این که یك وقت یك انفجاری حاصل بشود . . . بترسید از آن روزی که این مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یك انفجار حاصل بشود". و درست برای پرهیز از چنین فاجعه ای، برای آن که سیل دگرگونی های ناگزیر انقلابی درمجرای آرمیده ــ تری روان باشد و ضایعات و تلفات کمتر شود، امام بر قانون اساسی و حدودی که در آن برای هرکس و هرمقام معین شده است تأکید می فرمایند :
"من اول سال به آقایان عرض کردم این سال خوب است سال اجرای قانون باشد . باید حدود معلوم بشود. آقای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یك قدم آن ور بگذارد من با او مخالفت می کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می کنم". و همین موضع گیری اصولی را به نخست وزیر ، مجلس ، شورای نگهبان ، قوه قضائیه و قوه اجرائیه تعمیم می دهند و از همه دعوت می کنند که قانون راپذیرند وروی مرزقانون عمل کنند و باز هشدار می دهند :
"نگوئید قانون و خودتان خلاف قانون بکنید". "نمی شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم .غلط می کنی قانون را قبول نداری. قانون تو را قبول ندارد".

* * *

براستی روشن تر و پوست کنده تر از این نمی توان درباره معیارها و مسائل اساسی زندگی کشور و دشواری هائی که به هرانگیزه و از هر سو پیش آورده اند سخن گفت. تجربه نشان خواهد داد که این سخنان تا چه اندازه در فرونشاندن آتش سوداها و مهار کردن خود بینی ها و قدرت طلبی ها و سوق دادن افراض ناسازگار به مجرای هماهنگی و همکاری و اتحاد نیروها توفیق خواهد یافت. وبی شك اگر چنین توفیقی دست دهد باید آن را معجزه ای به شمار آورد که امید است دیر پا و فراگیر باشد. هرچند که تجربه تاریخ همه جا نشان داده است که در بحران های انقلاب و درمراحل گذار از یك نظام اجتماعی به آنچه پس از آن می آید ــ یا در تلاشهائی که برای واپس کشیدن جامعه به نظام پیشین صورت می گیرد ــ همیشه رفتارهای فردی بازتاب ضرورت های طبقاتی است. جامعه ما هم نمی تواند از این حیث استثنا باشد. ازین رو ، ضروراست که به موازات اثر بخشی سخنان خردمندانه امام خمینی ، با به اجراگذاشتن خواست های بنیادی توده ــ های محروم از بابت زمین و کاروبازرگانی دولتی و تشکیل شوراها و غیر آن ، نیروی انقلابی متحد مستضعفان بیش از پیش در صحنه سیاست حضور یابد و عمل کند .

بمناسبت روز جهانی کودك

روز اول ژوئن (۱۱ خرداد) روزجهانی کودك است. ۳۰ سال پیش "فدراسیون بین المللی دموکراتیك زنان" روز اول ژوئن را به عنوان روز دفاع از حقوق کودکان درکشور ــ های سرمایه داری و کشورهای عقب مانده انتخاب نمود.
از آن تاریخ همه ساله در این روز احزاب و سازمان های مترقی و دموکراتیك ملی و بین ــ المللی با پرده برداشتن ازانواع محرومیت ــ ها و ستم هائی که دردنیای سرمایه داری برکودکان روا داشته می شود ، افکار عمومی جهان را به بسیج نیروهایشان در دفاع ازحقوق کودکان فرا می خوانند .
در دنیای سرمایه داری که مهد اصلی استثمار و بیدادگری است، کودکان یکی از مهم ترین قربانیان آن بشمار می روند.
به گزارش "دفتربین المللی کار" به سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۹ نزدیك به ۱۰۰ میلیون کودك درکشورهای پیشرفته و عقب مانده سرمایه داری برای امرارمعاش خود و خانواده خود ناچارند کاربکنند. ازاین عده ۵۲ میلیون کودك درصنایع و کشاورزی و۴۸ میلیون بقیه درکارخانه ها کارمی کنند .
در ایتالیا بیش از ۵۰۰ هزارکودك در ساختمان ، ۱۰۰ هزارتن درکارخانه های نساجی ، ۲۰۰ هزارتن در خدمات و امور بازرگانی و ۵۰۰ هزارتن دربخش کشاورزی مشغول کارند .
در اسپانیا از ۶ میلیون کودك ۲۰۰ هزار تن بکار اشتغال دارند.
در آلمان فدرال ۳۰۰ هزارکودك تا ده ساعت در روز کارمی کنند .
در آمریکا ۴۰۰ هزارکودك ۱۴ــ ۱۰ساله به کاراشتغال دارند. آنها ۲ ٪ نیروی کار این کشور راتشکیل می دهند. در ایالت کالیفرنیای آمریکا ۹۵ ٪ کودکان کارگران مهاجرمکزیکی بکاراشتغال دارند. شدت استثمارآنها به قدری است که آنها را "بردگان کوچولوی قرن بیستم" می نامند .
وضع کودکان درکشورهای عقب مانده آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین به مراتب دردناك تر است.
آثارمخرب نظام سرمایه داری روی زندگی کودکان دربخش های نژادپرست آن با وضوح بیشتری به چشم می خورد.

رژیم صهیونیستی و نژادپرست اسرائیل کودکان فلسطینی رادرسرزمین های اشغالی به شدت مورد تعدی و تجاوزقرار می دهند.
شرایط فاجعه آمیزکاروزندگی کودکان فلسطینی ، هیأت مأمور دفتربین المللی کار را وادار کرد که درگزارش خود به شصت وپنجمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار تقاضا کند که اسرائیل از بکارگماردن کودکان فلسطینی امتناع نماید.



نوباوه شهید محمدحسین فهمیده

کودکان فلسطینی در زندان های اسرائیل با وضع فجیعی روبروهستند. اسرا ــ ئیلی ها با بچه ها مانند خطرناکترین جنایتکاران رفتارمی کنند. دژخیمان اسرائیلی برای شکنجه کودکان موی سرآنان رابه دست گرفته و بدنشان رابروی زمین می کشند و هنگام بازجوئی گلویشان راتاحد خفگی فشار می دهند و سگهای تربیت شده را به جان ــ شان می اندازند دخترها راتهدید به تجاوز و پسرها راتهدید به تجاوز به مادر و خواهر ــ انشان می کنند.
کودکان معصوم فلسطینی درکنارجنایت ــ کاران ، دزدان و هرزگان دریك سلول زندانی می شوند. روزنامه الفجر در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۸ نوشت که دونفر از این جنایتکاران به طرز فجیعی به یك کودك فلسطینی هم سلول خود تجاوز کردند. جرم کودك فلسطینی شرکت در تظاهرات بر ضد اشغالگران اسرائیلی بود ویکی ازآن دوجنایت ــ کار متجاوز قبلا کودکی راکشته بود .
طبق گزارش هیأت بازدید کننده دفتر بین المللی کار از کرانه غربی رود اردن از بیست هزار کارگر فلسطینی که بطور غیر مجاز دراسرائیل کارمی کنند، ۴ هزارکودك خردسال هستند. وسائل ارتباط جمعی اسرائیل از استثمار شدید کودکان بعنوان "برده داری کودکان" یاد می کنند .
کودکان معصوم ما ازنخستین قربانیان رژیم منفور پهلوی بوده اند.
زخم عمیق رژیم ضد خلقی سابق همچنان بر پیکرکودکان ما باقی است .
کودکان زحمتکشان کشورما غالبا ناچارند براثر سختی معیشت خانواده خود درکار ــ گاهها و کارخانه ها و غیره کارکنند.
کارکودکان درقالیبافی ها ، کارگاه ها ، کارخانه ها ، مغازه های کوچك و بزرگ تولید و توزیع موجب پژمردن روح خلاق آنان در همان اوان کودکی می شود. باتوجه به این ارزیابی که از هر ۱۰ کودك ایرانی سه تن دارای نبوغ است، دامنه ستم به کودکان و جامعه ما به وضوح نمایان می گردد.
انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی ایران روزنه امید بخشی برای بالندگی کودکان ما و رهائی آنان از قید بیداد و استثمار است .
نقش خرد سالان مادر انقلاب و پس ازآن جای نمایانی دارد. طنین فریاد های شکوهمند خرد سالان در خانه ها و پشت بامها ، کوچه ــ ها و خیابانها والدین شان را با شوروحرارت وافری به صحنه درگیری ها ومبارزه می کشاند.
باتجاوز رژیم خائن صدام به مناطق غربی و جنوب غربی سرزمین ما مصائب بی شماری برای کودکان معصوم ما بوجود آمده است .
اما در این جا هم چهره شجاع کودکان درصحنه نبرد می درخشد.
قهرمانی نوباوه سیزده ساله ما شهید محمد حسین فهمیده در رزمگاه ضد صدام از نمونه های درخشان نقش خرد سالان درنبرد با امپریالیسم است .
این نوباوه جسور با بستن چند نارنجك به خود و خوابیدن زیر تانکهای عراق تعدادی از تجاوز گران صدامی رانابود کرد و به خیل عظیم شهیدان انقلاب پیوست
جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از چنین پشتوانه عظیمی از جانبازان خلق باید همه امکانات خود را درمحو محرومیتهای اقتصادی و اجتماعی آنان بکارگیرد و فرزندان زحمتکشان ما رابه جامعه فارغ از بیداد و استثمار رهنمون شود .

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دمکراتیك مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م.ا. به‌آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی ـ صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷
چاپ کاویان